



رابطه اخلاق و انسانیت با ایمان به خدا/ جایگاه عمل غیر خدایی از دید قرآن

اخلاق، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی و انسانیت همه سرمایه هایی هستند که به دست آوردن و حفظ آنها سرمایه دیگری لازم دارد که نامش ایمان است.

اخلاق، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی و انسانیت همه سرمایه هایی هستند که به دست آوردن و حفظ آنها سرمایه دیگری لازم دارد که نامش ایمان است. به گزارش خبرگزاری مهر، ایمان از مصدر باب افعال و از ریشه آمن "امنیت یافتن" است که به معنای جایگیر شدن اعتقاد در قلب، یا تصدیق چیزی با اطمینان و نیز وثوق به چیزی یا کسی است که هر دو در معنا، مفهوم ایمنی در کار است. شخص با ایمان چنان دلگرمی و اطمینان دارد که هرگز در اعتقاد خویش شک و تردید نمی کند و به تعبیری از شک و تردید ایمن است.

اولین اثر ایمان این است که پشتوانه اخلاق است، یعنی اخلاق که خود یک سرمایه بزرگ زندگی است بدون ایمان اساس و پایه درستی ندارد. زیربنای همه اصول اخلاقی و منطق همه آنها بلکه سر سلسله همه معنویات، ایمان مذهبی یعنی ایمان و اعتقاد به خداست. کرامت، شرافت، تقوا، عفت، امانت، راستی، درستکاری، فداکاری، احسان، صلح و سلم بودن با خلق خدا، طرفداری از عدالت، از حقوق بشر و بالاخره همه اموری که فضیلت بشری نامیده می شود و همه افراد و ملت ها آنها را تقدیس می کنند و آنهایی هم که ندارند تظاهر به داشتن آنها می کنند، مبتنی بر اصل ایمان است، زیرا تمام آنها مغایر با اصل منفعت پرستی است و التزام به هر یک از اینها مستلزم تحمل یک نوع محرومیت مادی است.

آدمی باید دلیلی داشته باشد که رضایت به یک محرومیت بدهد و موقعی که رضایت می دهد که محرومیت را محرومیت نداند. این امر وقتی میسر است که به ارزش معنویت پی برده و لذت آن را چشیده باشد. زیر بنای هر اندیشه معنوی ایمان به خداست. حداقل اثر ایمان به خداوند حکیم این است که یک مومن عادی مطمئن می شود که کار خوب و صفت خوب در نزد خدا از بین نمی رود: "ان الله لایضیع اجرالمحسنین".

بشر واقعا دو راه بیشتر ندارد یا باید خودپرست و منفعت پرست باشد و به هیچ محرومیتی تسلیم نشود و یا باید خداپرست باشد و محرومیت هایی را که به عنوان اخلاق متحمل می شود محرومیت نشمارد. انسانیت و گذشت و احسان اگر بر پایه تقوای الهی نباشد می تواند پرتگاه خطرناکی باشد. قرآن در سوره توبه آیه 109 می فرماید: آیا آن کس بهتر است که بنای کار خود را بر تقوا و رضای خدا قرار داد یا آن کس که بنای کار خود را بر لب پرتگاهی قرار داده که زیر آن خالی است و مشرف به سقوط است؟

کسی که تکیه گاه اخلاق و شخصیتش غیر از خدا باشد، مانند این است که بر پرتگاه مشرف به سقوط گام بر می دارد و احتمال سقوط دارد. قرآن در سوره عنکبوت آیه 41 می فرماید: مثل آنان که دوستان و سرپرستانی غیر خدا انتخاب کرده و به آنها اتکا کرده اند مثل عنکبوت و خانه عنکبوت است، سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است.

این آیه ناظر به این است که غیر خدا را نمی توان تکیه گاه قرار داد، اگر غیر خدا تکیه گاه قرار بگیرد سست و بی پایه است. با تقلید و تلقین و ایجاد عادت موقتا می توان افرادی فداکار و با گذشت تربیت کرد اما این نوعی اغفال است همه را برای همیشه از راه نادرست نمی توان برد. سوره ابراهیم آیه 27 می فرماید: خداوند اهل ایمان را بر سخن حق و درست برای همیشه در دنیا و آخرت ثابت و پابرجا و تزلزل ناپذیرنگه می دارد.

و همچنین راجع به بی ایمانی در سوره ماعون آیه 1-3 می فرماید آیا دیدی آن کس را که دین را دروغ می داند؟ او همان کس است که با بی رحمی یتیم را از خود طرد می کند، عنایتی ندارد به اینکه فقرا سیر بشوند، دیگران را به سیر کردن گرسنگان و بینوایان وادار نمی کند. این آیات می خواهد بیان کند آن که پشت به دین کرده به همه فضیلت ها پشت کرده است، آنکه عاطفه دینی و ایمانی را که مبنا و اساس و پشتوانه و منطق انسانیت است از دست داده انسانیت و عواطف انسانی را از دست داده است.